

بررسی میزان نوگرایی زنان دبیر دبیرستان های شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن

آمنه صدیقیان بیدگلی^۱

زهرا روزی بیدگلی^۲

چکیده

نوگرایی تحولی در نظام ارزشی، شناختی و رفتاری افراد است که در اثر فرایند کلان نوسازی ایجاد می‌شود و افراد را به ایفاکنندگان مؤثر نقش‌ها در سطح نهادی و سازمانی نوسازی تبدیل می‌کند و وجود آن یکی از عوامل مهم تسهیل‌کننده فرایند نوسازی و صنعتی شدن است. حال مسئله این است که اقشار مختلف جامعه در این شرایط چه میزان نوگرا شده‌اند؟ و این نوگرایی تحت تأثیر چه عواملی است؟ در این پژوهش نوگرایی از ترکیب نه متغیر علم‌گرایی، تساوی‌طلبی، گرایش جهانی، پیشرفت‌گرایی، استقلال‌طلبی، گرایش مدنی، گرایش دموکراتیک، ریسک‌پذیری و پذیرش تجربیات جدید بررسی می‌شود. روش این پژوهش کمی است و با استفاده از روش های مطالعه اسنادی و پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را دبیران زن دبیرستان‌های شهر تهران تشکیل می‌دهند. جمعیت نمونه پس از نمونه‌گیری با استفاده از فرمول کوکران و سهمیه‌بندی مناطق به شیوه‌های آماری ۲۶۰ نفر انتخاب شده است که از سه ناحیه آموزش و پرورش ۲ و ۷ و ۱۶ نمادهای طبقات بالا، متوسط و پایین و با سهمیه‌بندی محاسبه شده است.

بر اساس یافته های پژوهش ۷۰ درصد جمعیت نمونه دارای نوگرایی با میزان بالا بوده‌اند. سال‌های تحصیل و پایگاه اجتماعی دو متغیری هستند که با میزان نوگرایی رابطه معنادار دارد و ارتباط معنادار سایر متغیرهای لحاظ‌شده تأیید نشد.

واژگان کلیدی: نوسازی، نوگرایی، زنان، تفکر مدرن، دبیران

۱. دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، گروه مطالعات اجتماعی،

sedighian_a@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی - مدرس دانشگاه

تا، بخ د، نافت مقاله ، ۱۳۹۲/۲/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی ، ۱۳۹۴/۱/۲۶

مقدمه

مدرنیته، نوسازی و توسعه از واژه‌ها و مفاهیم نو هستند که در قالب مکاتب مختلف مورد بحث قرار می‌گیرند، اما واقعیت این است که زندگی انسان از ابتدا با مدرنیته و نوسازی و نیز با توسعه مقارن بوده است؛ چرا که هر ابزار نو در زمان کهن، تکنیکی نو بوده و هر خواست و تمایل به پیشرفت، امنیت، رفاه، گامی به سوی توسعه بوده است. آنچه این مفاهیم را در زمان گذشته و حال دارای تفاوت معنادار کرده است رشد و سرعت تحولات جهانی در دو سده اخیر است. بدیهی است که تغییرات در زمان‌های گذشته بطئی و آرام بوده است و به هر نحو فرهنگ غیرمادی می‌توانسته با فاصله قابل‌تحملی برای جامعه با فرهنگ مادی همراه باشد. تغییرات تکنولوژیک سریع در دو سده اخیر که به شکل اصول هم‌فراخوان در کنار تغییرات و تطور اذهان، اندیشه‌ها، نگره‌ها، انگاره‌ها و روحیات سرزمین‌های توسعه یافته است، فاصله معناداری بین فرهنگ مادی و غیرمادی ایجاد کرده است. قابل‌تأمل است که این تغییرات و تحولات برای جوامع توسعه‌یافته به‌مثابه پدیده‌های درونی و برای جوامعی چون جامعه ایران به عنوان پدیده‌ای بیرونی است. بنابراین، می‌توان گفت، ما با شرایطی مواجه هستیم که تا حد زیادی مولود تفکر خاص کشورهای توسعه‌یافته است، بدون اینکه زمینه فکری مناسب با آن در جامعه به‌وجود آمده باشد. این تحولات و تغییرات تأثیر خود را در سطوح کلان، میانه و خرد جامعه و ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به جای می‌گذارند و باعث می‌شوند سطوح و ابعاد مختلف جامعه مرزهای آشفته‌ای نسبت به مکان و زمان بیابند که تطابق آنها و به تبع آن تفکر حاکم بر کل آن جامعه و اعضای آن با شرایط موجود، دچار اختلال و بی‌نظمی (و احتمالاً خارج از تحمل جامعه) گردد.

امروزه در کشورهای در حال توسعه سنت و مدرنیته به مثابه دو نیرو و دو پدیده متعارض مطرح می‌شوند. در حالی که در فرایندهای توسعه تاریخی در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته کنونی، لزوماً چنین تعارضی وجود نداشته است. در واقع، مدرنیته صنعتی و پیش از آن، فرایندهای تجدد و نوسازی که آنها را نیز می‌توان نوعی مدرن شدن به حساب آورد، در بیشتر موارد از درون سنت بیرون آمده‌اند. متعارض بودن سنت و مدرنیته در کشورهای در حال توسعه، بیشتر حاصل ورود مدرنیته به مثابه پدیده‌ای بیرونی به درون نظام اجتماعی ناآشنا و ناهماهنگ با آن است (فکوهی، ۱۳۷۹: ۵۴). حال آنکه سنت و نوگرایی الزاماً و ماهیتاً با هم در تزاخم نیستند، بلکه در نتیجه تعامل مستمر آنها در جوامع در حال گذار است که برخی ارزش‌ها و متغیرهای غیرقابل کنترل، به علت ضعف و رخوت یکی و سلطه‌جویی و تهاجم دیگری، باعث اختلال، تنش و بحران در جامعه می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۶: ۲۱۶).

برنامه‌ریزی صحیح در جهت رفع این بحران‌ها و استفاده از تمامی شرایط موجود برای به در بردن جامعه از شرایط آسیب‌زا و رهنمون شدن آن به سوی توسعه و پیشرفت، و هر چه سریع‌تر و دقیق‌تر همگام شدن با جریان تحولات جهانی و وظیفه تمامی آنانی است که دغدغه توسعه و اعتلای کشور خود را دارند.

توسعه و نوسازی و به تبع آن پیشرفت، از ایده‌آل‌های هر جامعه است. این مهم در صورت شناخت عوامل موثر بر توسعه و نگرش نو افراد جامعه در سطوح مختلف جامعه و مشاغل گوناگون میسر می‌شود. تجربه نشان داده است بعد مادی و غیرمادی فرهنگ به شدت در ساختن شرایط جدید یک جامعه مشارکت دارند. نوسازی در جهت ایجاد و پیدایش انسانی نو، بر عوامل و نیروهایی تأکید می‌کند. این عوامل و نیروها ارتباطی نزدیک با جایگاه توسعه‌ای جامعه دارد. جامعه ایران دیرزمانی است که در مسیر مدرنیته و

نوسازی قرار گرفته است. این مدرنیته تحت تأثیر تحولات و تغییرات سریع دو سده اخیر جوامع غربی بوده است. مدرنیته و نوسازی به نظر راه بی‌بازگشتی می‌آید؛ چرا که مادامی که ما واردکننده تکنولوژی و فرهنگ مادی از جوامع دیگر هستیم، ناگزیریم میزانی از فرهنگ غیرمادی حاکم بر آن را نیز بپذیریم.

اگرچه داشتن تفکر مناسب با زمان شامل همه افراد یک جامعه می‌شود، لازم است توجه داشته باشیم، اهمیت وجود آن در بین زنان یک جامعه به‌ویژه در موقعیت آموزش و پرورش و تربیت رسمی یک جامعه، شکلی بارز دارد؛ چرا که:

- زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند؛

- زنان مربی و تربیت‌کننده هر دو نیمه جمعیت هستند؛

- زنان دبیر علاوه بر تربیت غیررسمی عهده‌دار تربیت رسمی مریمان نسل آینده هستند که خود نیمی از جامعه و تداوم‌بخش نسل‌های بعدی خواهند بود.

در جوامع درحال توسعه مشارکت زنان در توسعه می‌تواند کمک زیادی در به ثمر رساندن طرح‌های توسعه داشته باشد؛ چراکه زنان دارای نقش‌های چندگانه هستند و در آموزش جامعه (به‌ویژه در جامعه‌پذیری کودکان) به صورت مستقیم و غیرمستقیم دخالت دارند. تأثیر زنان در جامعه هر دو جنس زن و مرد را شامل می‌شود. ترکیب نقش زنان در امور مختلف، زمانی که آنها را در جایگاه آموزشی نیز قرار می‌دهد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زنان علاوه بر اینکه نیمی از جمعیت فعال کشور را دربر می‌گیرند، بیش از نیمی از شاغلان آموزش و پرورش را نیز تشکیل می‌دهند. نوع تفکر و نگرش آنها و میزان توانایی آنان در پرورش نسلی که در مقاطع مختلف و به‌ویژه دبیرستان‌ها به آنها سپرده‌ایم کمال تأثیر را دارد. برای پرورش و تربیت نیروی انسانی کارآمد لازم است مریمان توانایی داشته باشیم و خود پرورش‌دهندگان در داخل سیستم آموزشی از میزان نوگرایی

متناسب با شرایط و جایگاه توسعه‌ای جامعه برخوردار باشند؛ چرا که توسعه و اعتلای حیات انسان در همه اعصار، مستلزم این است که او علاوه بر شناخت «آنچه هست‌ها» به طراحی و طلب «آنچه باید باشد‌ها» نیز دست بزند و طرح و الگو و مدلی برای تغییر وضع موجود، به وضع مطلوب و کمال مطلوب، داشته باشد (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۲۹۰).

تغییرات فرهنگی را نمی‌توان به حال خود رها کرد. در صورتی که همواره درصدد بازبینی و آسیب‌شناسی جای جای فرهنگ خود باشیم، می‌توانیم امید داشته باشیم جهت و سوی تغییرات برای جامعه حالتی مثبت داشته باشد. بر این اساس این پژوهش به دنبال بررسی این پرسش است که:

زنان دبیر شهر تهران دارای چه میزان نوگرایی هستند و برخی از علل و عوامل مؤثر بر این میزان از نوگرایی چیست؟

مبانی نظری

انسان در هر زمانی برای نظم دادن به ایده‌های خود از قالب‌های فکری استفاده می‌کند. قالب‌های فکری عبارت از مجموعه‌ای است که در ضمن تقدم منطقی و زمانی بر قواعد، دارای انواع و کمال بیشتری نسبت به قبل است (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۶). علاقه به توسعه مناطق معروف به «عقب‌مانده» پس از جنگ جهانی دوم سبب ظهور علایق تئوریک و روش‌شناختی شد که شباهت خاصی به علوم اجتماعی کلاسیک داشت. همانطور که می‌دانیم ظهور علوم اجتماعی زمانی رخ داد که جامعه اروپایی در میانه یک فرایند دگرگونی از «سنت» به «مدرنیته» قرار داشت (هتته، ۱۳۸۱: ۱۶). خاستگاه شکل‌گیری قالب‌های فکری اعم از تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توجیه‌گر حضور عناصر موجود در آن قالب فکری است.

نظریه‌های مکتب نوسازی در حوزه‌های نوسازی اقتصادی، نوسازی روانی-اجتماعی، نوسازی اجتماعی توسعه جوامع را بحث می‌کند. در حوزه نوسازی اقتصادی از اندیشمندانی چون روستو و شومپتر می‌توان نام برد. متفکران حوزه نوسازی اجتماعی با برگرفتن اندیشه متفکران کلاسیک و جرح و تعدیل آن به ارائه رویکرد خود پرداختند. از جمله اندیشمندان این حوزه می‌توان از پارسونز، هوزلیتز، اسملسر، ایزنشتاد و مور نام برد. پژوهش حاضر به‌ویژه از نظریات مکتب نوسازی در حوزه روانی-اجتماعی استفاده کرده است. نظریه‌پردازان در حوزه نوسازی روانی اجتماعی واحد تحلیل و مطالعه خود را سطوح میانی و خرد جامعه قرار داده و نقطه آغاز نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند. اندیشمندان این حوزه معتقدند که با تحقق نوسازی و نوشدن انسان سایر جنبه‌های نوسازی یعنی نوسازی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ظهور پیدا می‌کند. این گروه توجهی به ساخت‌های پهن دامنه اجتماعی ندارند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۰۸-۱۰۷). از جمله اندیشمندان این حوزه می‌توان از دانیل لرنر، اینکلس و اسمیت، شارما، دیوید مک کله لند، اورت هیگن، اورت راجرز نام برد.

مهم‌ترین و خطیرترین عامل که فصل مشترک نظریه‌های توسعه در هر سه حوزه است، نظام ارزشی مدرن است که توسعه را امکان‌پذیر می‌سازد. ماهیت موضوع پژوهش حاضر، ما را بر آن می‌دارد تا نقطه اتکای نظری بحث خود را نظریه‌های نوسازی حوزه روانی اجتماعی در نظر بگیریم. نکته دیگر این که، از آنجایی که تئوری توسعه در اصل و منشأ خود به واسطه نگرانی نسبت به کشورهای به قول معروف توسعه‌نیافته با این فرض ضمنی که شرایط در این جوامع رضایت‌بخش نیست و باید تغییر نماید، رشد کرد، به طور کلی نسبت به علوم اجتماعی به نحوی صریح‌تر هنجاری است (هتته، ۱۳۸۱: ۱۸).

در این بخش اشاره‌ای به نظریات نظریه‌پردازان مطرح دیدگاه روانی اجتماعی داریم.

الکس اینکلس

اینکلس^۱ نوسازی را «نوعی فرایند اجتماعی دانسته که در طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن را کسب می‌کنند» (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۴). اینکلس بر این باور است که انسان نو دو جنبه دارد: ۱) جنبه داخلی که به وجهه نظرها، ارزش‌ها و احساسات نو مربوط می‌شود. ۲) جنبه خارجی که به محیط انسان بر می‌گردد. انسان نو بیشتر در یک سازمان تولیدی پیچیده کار و در شهر یا مجموعه‌های شهری زندگی می‌کند. وی نه تنها داخل ازدحام جمعیت می‌گردد، بلکه به کلیه منابع و انگیزه‌هایی که از ویژگی‌های زندگی شهری است، دسترسی پیدا می‌کند. انسان در شهر از وسایل ارتباط توده‌ای (روزنامه‌ها، رادیو، سینما و تلویزیون و...) استفاده می‌کند. انسان در شهر در معرض تجربه از مکان‌های جدید از طریق آموزش مستقیم و غیرمستقیم، تماس با امور سیاسی در سطح ملی قرار می‌گیرد. ترتیبات نهادی و سازمانی است که پاسخ‌گوی نیازهای انسان مدرن است. وی دیگر نیازی ندارد که چندان در قید روابط خویشاوندی، همشهری و هم‌ولایتی بماند (وینر، ۱۳۵۰: ۱۱۹). شایان ذکر است که تجربه شهرنشینی انسان را مدرن‌تر نمی‌سازد بلکه ارتباط متمایز شهری‌ها با مدارس و دانشگاه‌ها، وسایل ارتباط جمعی، تجربه‌های کاری و... است که به شهرنشینی اهمیت می‌دهد (اینکلس، ۱۹۷۶: ۲۲۹).

انسان مدرن به عنوان یک شهروند مشارکت‌جوی آگاه، با هستی‌هایی بزرگتر و جدیدتر نسبت به ناحیه و ایالت هویت می‌یابد، به امور عامه، ملی و بین‌المللی نیز به همان شکلی که به امور محلی علاقه دارد، علاقه می‌یابد، به سازمان‌ها می‌پیوندد، خود را از اتفاقات و اخبار مهم آگاه نگه می‌دارد، رأی می‌دهد یا حتی در فرایند سیاسی کارهای مهمتری به عهده می‌گیرد (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۶: ۱۴). انسان‌هایی که نگرش و

رفتارهای ارزشی مدرن تر دارند، نهادهای مدرن و نوسازی کلی جامعه را حمایت می‌کنند (همان: ۳۰۰).

اینکلس و اسمیت مشخصاتی را برای انسان مدرن به این ترتیب برمی‌شمارند: پذیرش تجربه‌های جدید^۱، آمادگی برای تغییر اجتماعی^۲، قلمرو رشد عقیده^۳، اطلاعات^۴، زمان^۵، کارآیی^۶، برنامه‌ریزی^۷، محاسبه‌پذیری یا اعتماد^۸، ارزش مهارت فنی^۹، آرزوها، آموزشی و اشتغالی^{۱۰}، آگاهی از مقام دیگران و احترام به آن^{۱۱}، درک تولید^{۱۲}، خاص‌گرایی و خوش-بینی^{۱۳} (همان: ۲۴-۲۵).

به این ترتیب، اگرچه قرار گرفتن انسان سنتی در معرض زندگی نو به طور قطع منجر به پاره‌ای تغییرات در وی و در پیش گرفتن راه و رسم‌های تازه‌ای می‌شود، ولی تنها زمانی می‌توانیم انسانی را نو (مدرن) بدانیم که طرز فکر او تغییر کرده باشد (وینر، ۱۳۵۰: ۱۲۰).

دانیل لرنر

دانیل لرنر^{۱۴} از دیگر اندیشمندان حوزه روانی اجتماعی، ورود عناصر و مکانیسم‌های حامل نوسازی را در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر جدید تجدد

1. Openness to new experience
2. The readiness for social change
3. The realm of the opinion
4. information
5. time
6. efficacy
7. planning
8. Calculability or trust
9. The valuing of technical skill
10. Aspiration, education and occupational
11. Awaness of, and respect for, the dignity
12. Understanding production
13. Optimism & particularism
14. Daniel Lerner

موثر می‌داند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۰۸). لرنر معتقد است که توسعه و نوسازی یک فرایند عالمگیر است. جامعه سنتی رو به اضمحلال دارد و سنت در برابر روح منطبق‌گرا و اثباتی بی‌دفاع است (هریسون، ۱۳۷۶: ۲۶).

لرنر طی مطالعات خود در خاورمیانه دو مرحله را در جریان تحول کشورهای این ناحیه قابل تشخیص می‌داند: ۱) گرایش به اروپا که صرفاً متوجه قشرهای بالای جامعه بود و به دگرگونی نوع زندگی آنان نظر داشت و در وسایل خبری ممتاز منعکس می‌شد. ۲) تجدد که جمعیتی وسیع‌تر را دربرمی‌گرفت. تجدد توسط وسایل ارتباط جمعی نشر یافت (کازنو، ۱۳۷۷: ۳۱۴). به نظر لرنر جوامع سنتی از نظر اقتصادی (با ارتباط بیانی) ویژگی کشاورزی و از نظر فرهنگی، صفت مشخصه بی‌سوادی و از نظر سیاسی فقدان مشارکت در اتخاذ تصمیمات سیاسی در آنها بارز است. در صورتی که جوامع جدید با ویژگی وسایل ارتباط جمعی، گسترش شهر، ارتقای باسوادی و مشارکت در تصمیمات سیاسی مشخص می‌شوند (صدیقیان، ۱۳۸۳: ۸۰). از نظر لرنر سه ویژگی همدلی، تحرک و مشارکت بالا، هسته مرکزی شخصیت نوسازی‌شده را تشکیل می‌دهد (دیوب، ۱۳۷۷: ۴۰).

لرنر بحث «مشارکت رسانه‌ای» را مطرح می‌کند. بیشترین مطالعات لرنر در مورد نوسازی و توسعه در مبحث چگونگی استفاده از وسایل ارتباط جمعی (مشارکت رسانه‌ای)^۱ است. وی معتقد است که وسایل ارتباط جمعی موجب افزایش تحرک روانی و همدلی در افراد می‌شود. همدلی به مثابه ایستاری روانی در نوسازی مؤثر است و به معنای قدرت تطابق با محیطی مشحون از دگرگونی در وضعیت‌های مختلف است و بنابراین با برانگیختن تخیل، افراد را به جای کسانی که کارگردان قضایا هستند، قرار می‌دهد. وسایل ارتباطی جدید، تجارب جدید و در نهایت مشارکت سیاسی را نیز موجب می‌شوند

(روشه، ۱۳۷۷: ۱۸). شبکه ارتباطات جمعی در اندیشه لرنر هم شاخص و هم عامل تغییر است (کازنو، ۱۳۷۷: ۳۱۵).

در مورد سواد نیز گسترش آن هم شاخص و هم عامل بسط مشارکت جمعی و اطلاعات است. ابتدایی‌ترین کارکرد اجتماعی اقتصادی سواد، تسهیل درک و کسب برخی مهارت‌های اجتماعی است و در سطحی بالاتر، کارکرد سواد به مشارکت رسانه‌ای در جامعه کمک می‌کند (صدیقیان، ۱۳۸۳: ۸۲). لرنر تأکید می‌کند که دامنه تجهیزات زندگی توسعه‌یافته دلالت بر این دارد که آموزش در آینده محدود نخواهد ماند و بخش مهم‌تری را نیز دربر خواهد گرفت. بی‌شک حاکمان و مبلغان به دنبال تکنولوژی و تکنیسین‌های جدید خواهند بود (لرنر/نلسون، ۱۹۷۷: ۱۶۳-۱۶۴).

لرنر بر مبنای حالات روانی و نگرش‌های انسان‌ها نسبت به محیط اجتماعی و عناصر آن انسان‌ها را به سه گروه «سنتی»، «در حال تحول» و «نوگرا» تقسیم می‌کند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۰۸). شخصیت سنتی (ما قبل توسعه) فاقد سواد، شهرنشینی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و فاقد همدردی است. شخصیت در حال تحول جامعه که انتقالی نیز نامیده می‌شود، از همه مهم‌تر است و بر حسب تعداد عواملی (سوادآموزی، شهرنشینی، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و همدردی) که در تکوین این نوع شخصیت انتقالی دخالت دارد، سه مرحله (انتقالی اول، انتقالی دوم، انتقالی سوم) در آن قابل تشخیص است. شخصیت نوگرا در جوامع غربی فراوان به چشم می‌خورد، شخصیت انتقالی است که در آن توجه به حرکت و آینده بیش از حال و گذشته در نظر است. این نوع شخصیت دارای میزان خاصی از همدردی است و تجلی آن در جهان توسعه‌نیافته، عامل اصلی شرایط توسعه محسوب می‌شود (کازنو، ۱۳۷۷: ۳۱۸).

در نهایت، فرد نوگرا که برخوردار از سواد، شهرنشینی و وسایل ارتباط جمعی و همدلی است، بالاترین میزان و درجه فکر و اندیشه نوگرایی را دارد و بر عکس فرد سستی فاقد هر یک از متغیرهای یادشده است، پایین‌ترین درجه اندیشه نوگرایی را دارد.

اورت هیگن

اورت هیگن^۱ مطالعه نوسازی را توسط یک نظریه جامع تغییر اجتماعی مرکب از مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی متکی بر الگوی سیستمی درباره شخصیت و رفتار انسان، امکان‌پذیر می‌داند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۴). هیگن پیشرفت را شامل دو مرحله (۱) سبک آگاهی جدید، (۲) کاربرد این آگاهی‌ها در فرایند توسعه می‌داند. این فرایند، فرایندی زمان‌دار و بلندمدت است که نه تنها نیازمند تغییرات فنی باشد بلکه به تغییرات اجتماعی وسیع‌تری نیز نیاز داشته باشد که در فرایندهای شکل‌گیری شخصیت و تحول ساخت اجتماعی متبلور می‌شود (هیگن، ۱۹۶۲: ۵۵). به این ترتیب که نقطه آغازین و شروع فرایند اجتماعی شدن طفل تأثیر قاطعی در رفتار آینده وی دارد، به گونه‌ای که ممکن است مانع نوآوری یا پذیرش نوآوری گردد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۴). هیگن استدلال می‌کند که تغییر الگوی جامعه‌پذیری کودکان ممکن است موجب تغییراتی در سنخ‌های شخصیتی گردد که این امر خود تأثیراتی بر تحولات اجتماعی دارد (بروف، ۱۳۶۹: ۴۰). بدون تغییر در شخصیت‌ها هیچ‌گاه تغییر اجتماعی رخ نمی‌دهد. هیگن اصلی‌ترین عامل عدم موفقیت تحلیل‌های قبلی توسعه اقتصادی را که به عواملی مانند نژاد، جغرافیا، مذهب، شرایط اقتصادی و ... تأکید می‌کردند، در تأکید نکردن آنها بر فرایند شکل‌گیری شخصیت و ساخت اجتماعی می‌داند (هیگن، ۱۹۶۲: ۸۶، ۱۰۱).

1. Evert Hagen

اورت هیگن دو نوع سنخ شخصیتی (شخصیت اقتدارگرا^۱ و شخصیت نوآور^۲) تشخیص می‌دهد. شخصیت خلاق و نوآور پدیده‌های جهان را منظم می‌یابد و از میزان بالای انگیزه همکاری و کمک برخوردار است. در صورت مشاهده هرگونه بی‌نظمی و آشفتگی در صدد تغییر شرایط به وضعیتی منظم برمی‌آید و شخصیت نوآور به دلیل درک و سپس همدلی با دیگران از انگیزه کمک، همیاری و مشارکت بیشتر برخوردار است - (عنبری، ۱۳۷۷: ۳۸، ۳۵). اطمینان به نظم منطقی قابل پیش‌بینی و توانایی ارزیابی نظم امور و حل مشکلات باعث می‌شود تا شخصیت نوآور با کوشش و رسیدن به اهداف نگرانی-های خود را از بین ببرد (واگو، ۱۳۷۳: ۷۰).

هیگن شرایطی برای کمک به بروز خلاقیت مانند توانایی اکتساب تجربه جدید، گرایش به پدیده‌های قابل مشاهده، تخیل خلاق، احساس مسئولیت و وظیفه، اعتماد و اطمینان، درک خطر و احساس مبارزه با آن، قایل است. او اتصاف افراد به یک شخصیت خلاق و دارای ویژگی‌هایی چون توان همدلی بالا، انگیزه بالای پیشرفت، انگیزه نیاز به استقلال و نظم، انگیزه کمک و همیاری و همکاری با دیگر هم‌نوعان، انگیزه مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیری‌ها و امور مرتبط با زندگی خود، را لازمه توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌داند (روزی، ۱۳۸۲: ۸۱).

دیوید مک کله‌لند

دیوید مک‌کله‌لند^۳ مفهوم پیشرفت را به عنوان یک مسئله روانی-اجتماعی مربوط به نیاز و انگیزه تلقی کرده و آن را در قالب ویروس ذهنی تحت عنوان «میل و نیاز به پیشرفت»^۴

1. authoritarian
2. innovator
3. David C. Mc Clelland
4. need of achievement

قرار داد. این ویروس ذهنی نسبتاً کمیاب، روش خاص فکر کردن است (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۳). ویروس ذهنی میل و نیاز به پیشرفت، در ذهن شخص نمودار اندیشه‌هایی است که سر و کار آنها با خوب انجام دادن کاری یا انجام دادن کاری به نحو بهتر از پیش، یعنی کاراتر، سریع‌تر و با زحمت کمتر و با نتیجه بهتر و ... است (وینر، ۱۳۵۰: ۲۴).

مک‌کله‌لند کلید اصلی تغییر وجه‌نظرها را از طریق آموزش‌های خاص که به دلاوری افراد پاداش می‌دهد، تمایل اکتساب را در آن تقویت کند، امکان‌پذیر می‌داند (واگو، ۱۳۷۳: ۷۵-۷۴). درونی ساختن «میل به پیشرفت» از طریق جامعه‌پذیری از همان اوایل زندگی افراد باید صورت گیرد و سپس از طریق آموزش‌های لازم مطبوعات و سایر نوشته‌ها این میل را تقویت گردد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

گاهی اوقات سطوح «میل به پیشرفت» به وضوح نتیجه رویدادهای تاریخی محل است. در این زمینه مک‌کله‌لند مثال‌هایی از جوامع مختلف ارائه می‌کند (وینر، ۱۳۵۰: ۳۲). وی علاوه بر آموزش، طبقه اجتماعی والدین، تحرک اجتماعی و ایدئولوژی را نیز به عنوان عوامل موثر بر «میل به پیشرفت» مورد بحث قرار می‌دهد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۳). مک‌کله‌لند دانش را سلاحی مؤثر می‌داند که از طریق تربیت مستقیم افراد، علاقه به کار سودبخش و احساس مسئولیت اجتماعی را در آنان ایجاد و تقویت می‌کند. علم، اطلاعات مورد نیاز مردمی را که می‌خواهند با اندیشیدن، نیروی انگیزش به نوسازی را در خود افزون کنند، فراهم می‌کند (وینر، ۱۳۵۰: ۳۲).

شارما

شارما^۱ با نقد نظریات و تجاربی که صرفاً به پیشرفت صنعتی و اقتصادی توجه داشتند

مفهوم مورد نظر خود را از توسعه ارائه می‌کند. شارما معتقد است، تفکر توسعه رایج بر مبنای یک مفهوم غلط از طبیعت انسان و نظم اجتماعی بنا شده است. انسان در این دیدگاه به یک ارگانیسم بیولوژیک صرف تقلیل می‌یابد. باید در نظر داشت که انسان صرفاً یک موجود اقتصادی نیست، بلکه یک موجود اجتماعی، فرهنگی و معنوی است (شارما، ۱۹۸۶: ۱۸). شارما در خصوص ابعاد فیزیکی، روانی، اجتماعی و فرهنگی رشد بحث می‌کند. به تعبیر وی رشد در ابعاد فیزیکی زندگی به افزایش امید زندگی و بهداشت مناسب و افزایش سلامت نوزادان و کاهش نرخ مرگ و میر عمومی دلالت دارد. شارما رشد روانی را شامل رضایت از زندگی - سلامت ذهن می‌داند که تعادلی بین زندگی مادی و غیرمادی و بین ارزش‌های ابزاری و سنتی جامعه برقرار می‌کند. پس مشخصه روانی زندگی با مشخصه اجتماعی زندگی در ارتباط است. توسعه کیفیت اجتماعی زندگی با اهمیت ثبات در خانواده، قندهای درونی افراد و همبستگی اجتماعی ارتباط دارد، و توسعه مشخصه فرهنگی زندگی با نظم اخلاقی جامعه و سبک زندگی همراه است (همان: ۱۵). شارما جامعه مدرن را یک جامعه عقلانی می‌داند که عقلانیت در تمام سطوح گوناگون اجتماعی و سیاسی و فرهنگی وارد و به شیوه‌های کارآمدتری در زندگی رهنمون می‌شود (روزی، ۱۳۸۲: ۹۱). شارما (۱۹۷۹) بر اساس نقد و تعدیل شاخص نوگرایی اینکلس و اسمیت، شاخص جدیدی برای سنجش نوگرایی دارای جهت‌گیری‌هایی در ابعاد مختلف از جمله، جهت‌گیری علمی^۱، جهت‌گیری تساوی‌طلبانه^۲، جهت‌گیری جهانی^۳، جهت‌گیری پیشرفت^۴، جهت‌گیری استقلال‌طلبانه^۵، جهت‌گیری مدنی^۶، جهت‌گیری دموکراتیک^۷ ارائه می‌کند.

1. Scientific Orientation
2. egalitarian Orientation
3. universalistic Orientation
4. achivement Orientation
5. independense Orientation
6. civic Orientation
7. democratic Orientation

چارچوب نظری

چارچوب تئوریک مشخصاً از تئوری توسعه مکتب نوسازی استفاده کرده است.. نظریه‌ها در مجموع عواملی مانند، شهرنشینی، صنعتی شدن، سطح تحصیلات، پایگاه اجتماعی، نحوه جامعه‌پذیری، ارتباطات و... را به طور مستقیم و غیرمستقیم بر هدایت جامعه به سوی نوسازی مؤثر می‌دانند. افراد نوگرا نیز دارای ویژگی‌هایی همچون پیشرفت‌گرایی، علم‌گرایی، تساوی‌طلبی، گرایش مدنی، گرایش دموکراتیک، خطرپذیری، و پذیرش تجربیات جدید هستند.

متغیرهای مستقل این پژوهش طول تحصیل و مدت تدریس (لرنر، اینکلس و مک‌کله‌لند)، منشأ شهری یا روستایی داشتن (لرنر و اینکلس)، مشارکت رسانه‌ای یا میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (اینکلس و لرنر)، پایگاه اجتماعی و اقتصادی (اینکلس، لرنر و هیگن)، مشارکت اجتماعی (اینکلس، لرنر، هیگن) است که علاوه بر اندیشمندان مورد بحث دیگر اندیشمندان حوزه نوسازی نیز به آن توجه دارند.

متغیر وابسته پژوهش «میزان نوگرایی» جمعیت نمونه از ترکیب نه جهت‌گیری علم-گرایی، تساوی‌طلبی، گرایش جهانی، پیشرفت‌گرایی، استقلال‌طلبی، گرایش مدنی، گرایش دموکراتیک، خطرپذیری و پذیرش تجربیات جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

روش پژوهش پیمایش است. داده‌ها در بخش نظری از طریق مطالعه اسنادی کتابخانه‌ای و در بخش عملی پیمایش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شد.

جامعه آماری و جمعیت نمونه

جامعه آماری پژوهش دبیران زن شاغل در دبیرستان‌های شهر تهران است، که بر اساس آمار اخذشده از آموزش و پرورش کل تهران ۱۰۰۸۰ نفر هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۰ نفر محاسبه گردید.

از بین نواحی آموزش و پرورش با توجه به تجارب قبلی در مؤسسات گوناگون پژوهشی، نواحی آموزش و پرورش به نواحی بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند و از ناحیه‌های ۲ و ۷ و ۱۶ به صورت تصادفی انتخاب شد. نمونه‌گیری در این پژوهش از طریق سهمیه بندی صورت گرفت، با توجه به تعداد دبیران در هر ناحیه، نمونه مختص به هر ناحیه مشخص شد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای اصلی

نوگرایی: اینکلس و اسمیت مدرن را آن چیزی می‌دانند که توسط هنجارهای فرهنگی یک اجتماع به عنوان مدرن تعریف می‌شود. شارما می‌گوید نوگرایی در هر جامعه‌ای با توجه به شرایط زمانی و مکانی آن جامعه عمل می‌کند. این فرض نیز که نو (مدرن) آن چیزی است که توسط هنجارهای فرهنگی یک جامعه به عنوان نو تعریف شود مسئله پیچیده‌ای است. دسته‌های گوناگون مردم در یک جامعه مثل نخبگان و توده‌ها، باسواد و بی‌سواد، جوان و پیر و... ممکن است که تصور و ادراک متفاوتی از نوگرایی داشته باشند. به نظر شارما یک تصور جهانی از نوگرایی برای اندازه‌گیری نوگرایی فردی ضروری است و لذا احتیاج به یک مفهوم عام از جامعه مدرن داریم. یک جامعه مدرن یک جامعه عقلانی در تمام سطوح گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی است. عقلانیت یک نقطه مشترک در میان تمام تعاریف از جامعه مدرن است (روزی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). اینکلس معتقد است نوگرایی

تحوالی در نظام ارزشی، شناختی و رفتاری افراد است که در اثر فرایند کلان نوسازی ایجاد شده و افراد را به ایفاکنندگان موثر نقش‌ها در سطح نهادی و سازمانی نوسازی تبدیل می‌کند و وجود آن یکی از عوامل مهم تسهیل‌کننده فرایند نوسازی و صنعتی شدن است (صدیقیان، ۱۳۸۳: ۶).

در این پژوهش به لحاظ عملیاتی نوگرایی یا تفکر مدرن را آن‌گونه تفکری دانسته‌ایم که مؤلفه‌های علم‌گرایی، تساوی‌طلبی، گرایش جهانی، پیشرفت‌گرایی، استقلال‌طلبی، گرایش مدنی، گرایش دموکراتیک، خطرپذیری و پذیرش تجربیات جدید را در خود دارد. تعریف هر جهت‌گیری به شرح زیر است.

۱. علم‌گرایی: تمایل به فهم دنیا بر پایه نقش مدارک علمی و تحقیقی به جای خرد دوران گذشته است.

۲. جهت‌گیری تساوی‌طلبانه: نگرش تساوی‌طلبانه، التزام عقلانی به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی، بدون قایل شدن به هر نوع تبعیض بر پایه جنبه‌های منسوب به جنس، قوم و ... است.

۳. جهت‌گیری جهانی: نگرشی به سوی ترجیح هنجارهای غیرشخصی در اجرای نقش‌های عام فراتر از وفاداری‌های ویژه به خویشاوندان و دوستان و ... است.

۴. پیشرفت‌گرایی: نگرش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی است. تمایل به موفق شدن و باور به مفید بودن برنامه‌ریزی است.

۵. جهت‌گیری استقلال‌طلبانه: نگرشی به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه آن ناهمنوایی با چنین هنجارهایی است که ممکن است به لحاظ عقلانی مورد شک باشند.

۶. جهت‌گیری مدنی: تمایل به کسب اخبار ملی و بین‌المللی و آگاهی از مسائلی که ملت و اجتماع بین‌المللی با آن مواجه است و نیز کوشش برای شکل دادن و تمرکز افکار روی موضوعات مختلف است.
۷. جهت‌گیری دموکراتیک: نگرش مثبت به حفظ و رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه‌های جامعه و وجود فرصت‌های مساوی برای همه در مشارکت آزادانه در ارزش‌های آن جامعه است.
۸. آمادگی پذیرش تجارب جدید: به معنی آمادگی پذیرش عقاید و شیوه‌های جدید احساس و رفتار است.
۹. جهت‌گیری خطرپذیر: از وجوه اساسی فرهنگ تجدد ریسک‌پذیری است که به موجب آن، آگاهی از خطرهای احتمالی به صورت ابزاری برای تسخیر و آبادانی آینده درمی‌آید (صدیقیان، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۸؛ مهدی‌زاده، ۱۳۸۱).
- در مجموع شاخص نوگرایی به وسیله ۳۴ گویه با طیف لیکرت پنج‌گانه بر اساس این ۹ معیار، سنجیده شد. این شاخص با الفای کرونباخ ۰/۷۶٪ مورد تأیید قرار گرفت.
- مشارکت رسانه‌ای:** مشارکت رسانه‌ای به وسیله بررسی استفاده یا عدم‌استفاده و نیز میزان استفاده پاسخگویان از وسایل ارتباط جمعی رادیو، تلویزیون، ماهواره، کامپیوتر، اینترنت، کتاب، مجله، روزنامه، سینما و تئاتر بررسی شده است.
- پایگاه اقتصادی و اجتماعی:** برای سنجش پایگاه فرد، منزلت شغلی، تحصیلات، درآمد و امکانات رفاهی مورد استفاده خانواده بررسی می‌شود. از لحاظ منزلت شغلی، منزلت دبیران ثابت است، تحصیلات آنان بین دیپلم تا کارشناسی ارشد متغیر است. از سوی دیگر درآمد نسبتاً ثابت است، به همین دلیل به جای درآمد از امکانات رفاهی خانواده استفاده می‌شود. جامعه مورد بررسی همه شاغل هستند و دارای منزلت اجتماعی مستقل، اما از سوی دیگر

از آنجا که زمینه خانوادگی فرد در پایگاه او مؤثر است برای مجردها منزلت شغلی و تحصیلات پدر و برای متأهلان منزلت شغلی و تحصیلات همسر در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است برای تعیین منزلت شغلی افراد از روش تعیین منزلت خانم دکتر کاظمی پور استفاده شده است.

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی افراد از طریق بررسی فعالیت یا عدم فعالیت و نیز میزان فعالیت آنها در امور زیر بررسی شده است:

کلاس‌های آموزشی، علمی، هنری، فرهنگی و ...، باشگاه ورزشی، مؤسسات خیریه و نیکوکاری، کتابخانه، سازمان‌های صنفی، مراکز مشاوره، رأی دادن، کاندید شدن در انتخاباتی که توانایی تصدی آن پست را دارند و همکاری در تبلیغات برای نامزد مورد تأیید خود.

یافته‌های پژوهش

سیمای کلی پاسخگویان

میانگین سنی دبیران مورد مطالعه ۳۸ سال و میانگین سنی در مناطق ۲ و ۷ و ۱۶ به ترتیب ۴۰ و ۳۸ و ۳۵ سال است. ۷۵/۴ درصد دبیران متأهل هستند، ۲۰/۸ درصد آنها مجرد و بقیه در شرایط همسر فوت شده، مطلقه، و زندگی جدا از هم هستند. از لحاظ منشأ شهری یا روستایی داشتن ۹۶/۹ درصد دبیران متولد شهر هستند. میانگین سابقه تدریس جمعیت نمونه مورد بررسی ۱۴ سال است. ۷۵/۸ درصد جمعیت دارای مدرک کارشناسی و ۸/۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند و مابقی دیپلمه یا دارای مدرک کاردانی هستند. میانگین سال‌های تحصیل جمعیت ۱۵/۷۶ سال است.

جدول ۱: توزیع جمعیت نمونه بر حسب ناحیه آموزش و پرورش، محل تدریس و

آماره‌های مربوط

ناحیه محل تدریس	فراوانی	درصد توزیعی	میانگین سنی	میانگین تحصیلات	میانگین مدت اشتغال
ناحیه ۲	۱۰۷	۴۱/۲	۴۰/۷۸	۱۶/۰۴	۱۶/۷
ناحیه ۷	۶۵	۲۵	۳۸/۵۶	۱۵/۴	۱۵/۰۹
ناحیه ۱۶	۸۸	۳۳/۸	۳۵/۰۸	۱۵/۶	۱۰/۸
جمع/میانگین کل	۲۶۰	۱۰۰	۳۸	۱۵/۷۶	۱۴

میزان نوگرایی دبیران

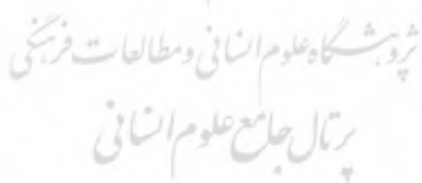
بررسی شاخص نوگرایی به تفکیک نوع جهت‌گیری‌ها نشان می‌دهد، در تمامی مؤلفه‌ها تراکم جمعیت نمونه در میزان نوگرایی در حد متوسط و بالا و در مواردی حتی بسیار بالاست و تنها جهت‌گیری ریسک‌پذیری از این قاعده مستثنی است (جدول شماره ۲).

بر اساس نتایج بدست آمده جهت‌گیری پذیرش تجارب جدید نسبت به متغیرهای دیگر بیشترین امتیاز را کسب کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۹۶.۲ درصد افراد آمادگی بالایی برای پذیرش تجارب جدید دارند. بررسی گویه‌های این متغیر نشان می‌دهد که ۷۵ درصد جمعیت نمونه موافق ارتباط با افرادی هستند که کاربرد جدیدترین وسایل و شیوه‌ها را در زندگی خود تجربه می‌کنند. ۹۹.۶ درصد معتقدند که دبیران باید در پی کشف روش‌های جدید تدریس باشند. ۶۵ درصد آنها آمادگی بسیار بالایی برای پذیرش چیزهای نو و جدید دارند.

در جهت‌گیری دموکراتیک ۸۵ درصد نگرش امتیاز بسیار بالا و بالا را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی گویه‌ها به تفکیک نشان می‌دهد، حدود ۹۰ درصد معتقد به

شرایط یکسان برای اقلیت‌های قومی و مذهبی در جامعه هستند. همچنین حدود ۸۰ درصد معتقدند که هر متخصصی، فارغ از گرایش فکری و اعتقادی خود، باید بتواند به مراتب بالای شغلی دست یابد. همانطور که ملاحظه می‌شود زنان جمعیت نمونه در مورد اقلیت‌های قومی و مذهبی نسبت به گرایش‌های فکری و اعتقادی، گرایش دموکراتیک‌تری دارند.

امتیاز پاسخگویان در جهت‌گیری جهانی در حد بسیار بالایی است. ۵۹.۶ درصد در حد بسیار بالا، ۲۵.۸ درصد در حد بالا، ۱۲.۳ درصد در حد متوسط و تنها ۱.۹ درصد در حد پایین و ۴٪ درصد در حد بسیار پایین بوده‌اند. بررسی گویه‌ها بیانگر آن است که ۶۱.۱ درصد پاسخگویان ارجحیتی برای هم‌نشینی هم‌شهری و هم‌زبان خود نسبت به دیگر افراد جامعه ندارند. بیش از دوسوم نیز با پارتی‌بازی یا کمک نادرست به هم‌شهری خود مخالف‌اند.



جدول ۲- توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب شاخص‌های نوگرایی به تفکیک نوع جهت‌گیری

نوع جهت‌گیری	بسیار پایین	پایین	متوسط	بالا	بسیار بالا	دامنه تغییر	میانگین
پیشرفت‌گرایی	-	۵	۴۴/۲	۴۳/۵	۷/۳	۲۵-۵	۱۵/۷۶
علم‌گرایی	-	۳/۱	۲۶/۲	۴۵/۴	۲۵/۴	۳۰-۶	۲۱/۳۰
استقلال‌طلبانه	-	۹/۲	۲۵	۴۵/۸	۲۰	۲۰-۴	۱۳/۴۷
تساوی‌طلبانه	-	-	۲۰	۵۷/۳	۲۲/۷	۲۵-۵	۱۸/۷۰
دموکراتیک	-	۳/۱	۱۱/۵	۲۴/۶	۶۰/۸	۱۰-۲	۸/۴۵
جهانی	۰/۴	۱/۹	۱۲/۳	۲۵/۸	۵۹/۶	۱۵-۳	۱۲/۶۸
مدنی	۰/۸	۳/۱	۲۰	۳۹/۶	۳۶/۵	۲۰-۴	۱۵/۰۳
پذیرش‌تجارب جدید	-	۰/۴	۳/۵	۳۱/۲	۶۵	۱۵-۳	۱۲/۷۸
ریسک‌پذیری	۶/۹	۳۲/۳	۴۰/۸	۱۳/۸	۶/۲	۱۰-۲	۵/۱۹
شاخص نوگرایی	-	۱/۲	۲۶/۵	۶۷/۷	۴/۶	۱۷۰-۳۴	۱۲۲/۷

پاسخگویان در جهت‌گیری تساوی‌طلبانه نیز امتیاز بالایی کسب کرده‌اند. ۸۰ درصد امتیاز بسیار بالا و بالا و ۲۰ درصد امتیاز در حد متوسط کسب کرده‌اند. بررسی جداگانه گویه‌ها در این گرایش بیانگر آن است که زنان جمعیت نمونه بیشتر در حوزه‌های مشورتی خانواده روحیه تساوی‌طلبی دارند و نسبت به فعالیت‌هایی که دربردارنده مشارکت اجتماعی مستقیم خود آنها در جامعه است، کمتر تمایل تساوی‌طلبانه از خود نشان می‌دهند. ۹۵ درصد معتقد به مشورت مردان در امور مهم خانواده با همسران هستند. ۷۰

درصد معتقدند که آنها نیز به اندازه مردان در انجام فعالیت‌های خارج از منزل (مانند فعالیت در انجمن‌های گوناگون) باید آزاد باشند.

امتیاز پاسخ‌گویان در جهت‌گیری مدنی نیز در حد بالایی است. ۳۶.۵ درصد در حد بسیار بالا، ۳۹.۶ درصد در حد بالا، ۲۰ درصد در حد متوسط، جمعاً ۳.۹ درصد در حد پایین و بسیار پایین است. این جهت‌گیری از طریق گویه‌هایی درباره تأثیرات تحولات سیاسی و اجتماعی، ملی و بین‌المللی در موقعیت فرد، میزان تمایل زنان به حضور در عرصه مبارزات سیاسی یا تأثیر رای آنان در خط‌مشی‌های دولت مورد بررسی قرار گرفت. ۷۸ درصد مطلع بودن فرد از اخبار جامعه را حایز اهمیت می‌دانند. ۶۹.۷ درصد آگاهی از مسائل جهانی را ضروری می‌دانند. در مورد دخالت در امور سیاسی نگرش‌ها متفاوت است تا حدی که ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان ترجیح می‌دهند خود را از سیاست دور نگه دارند و ۱۵.۱ درصد (که باز هم نیمی از جمعیت نمونه محسوب می‌شود و قابل تأمل است) عقیده به دخالت در امور سیاسی دارند. ۶۸.۹ درصد عقیده دارند که می‌توانند بر خط‌مشی‌های دولت خود تأثیر گذارند.

در جهت‌گیری استقلال‌طلبانه، ۶۵.۸ درصد در حد بسیار بالا و بالا، ۲۵ درصد در حد متوسط و تنها ۹.۲ درصد در حد پایین قرار دارند. در این گرایش نیز کسی در گزینه بسیار پایین قرار نگرفته است. این جهت‌گیری توسط گویه‌هایی در مورد اطاعت از دستورات و نصایح پدر و مادر، انتخاب همان راهی که مرد توصیه می‌کند توسط زنان، آموزش نحوه اطاعت کردن توسط محیط‌های آموزشی و استقلال زوج‌های جوان پس از ازدواج بررسی شد. امتیاز افراد در گویه‌های مختلف قابل تأمل است. در زمینه اجرای بدون چون و چرای دستورات پدر و مادر، ۴۵.۴ درصد افراد موافق و کاملاً موافق، ۷.۳ درصد مردد، ۴۷.۳ درصد مخالف و کاملاً مخالف هستند. پاسخ‌ها در گویه «زن باید همان راهی را برگزیند

که شوهرش انتخاب کرده است.» بیانگر این است که زنان به دنبال استقلال خود هستند. به طوری که نزدیک دوسوم از جمعیت نمونه (۷۱.۲ درصد) مخالف و کاملاً مخالف، ۷.۷ درصد مردد و ۲۱ درصد موافق و کاملاً موافق هستند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه جامعه آماری پژوهش دبیران دبیرستان‌ها هستند. در زمینه اینکه "مدارس باید نحوه اطاعت کردن از بزرگترها را به بچه‌ها بیاموزند" بیش از دوسوم (۷۶.۲ درصد) موافق و کاملاً موافق، ۴.۲ درصد مردد، ۱۹.۶ درصد مخالف و کاملاً مخالف هستند. یادآوری می‌شود اورت هیگن بر این باور است که بی‌تحولی جوامع سنتی معلول ایجاد شخصیتی استبدادی در افراد است و بروز این شخصیت استبدادی در افراد، معلول تربیت خشک و اطاعت‌آمیز آنان است.

امتیاز جهت‌گیری پیشرفت‌گرایی در حد متوسط است. ۷.۳ درصد در حد بسیار بالا، ۴۳.۵ درصد در حد بالا، ۴۴.۲ درصد در حد متوسط ۵ درصد در حد پایین است. هیچ یک از پاسخ‌گویان در حد بسیار پایین نیستند. پیشرفت‌گرایی با ۵ گویه در زمینه‌های نظم و برنامه‌ریزی، نگرش به حال، پیشرفت مادی، تقدیرگرایی و شانس بررسی شده است.

از نظر اعتقاد به برنامه‌ریزی ۹۵.۸ درصد معتقدند که با برنامه‌ریزی در زندگی و استفاده از امکانات موجود هر انسانی به اهدافش رسیده و موفق می‌شود. این مولفه از عوامل کلیدی در اندیشه مک‌کله‌لند برای نوگرایی است. در زمینه اینکه برای امروز باید زندگی کرد و فکر فردا را به فردا واگذار نمود، ۱۱.۲ درصد کاملاً موافق، ۲۵.۴ درصد موافق، ۸.۵ درصد مردد، ۲۲.۷ درصد تا حدی مخالف و ۳۲.۳ درصد کاملاً مخالف هستند. در زمینه اینکه هر چقدر تلاش کنیم بیشتر از قسمت و روزی خود به دست نمی‌آوریم. از دید نظریه‌های نوسازی باید گفت گرایش به سمت تقدیرگرایی است؛ چرا که ۶۰.۸ درصد به رزق و قسمت خود معتقدند. ۳۱.۲ درصد مخالف و کاملاً مخالف این مسئله هستند.

ریسک‌پذیری نسبت به جهت‌گیری‌های دیگر دارای کمترین امتیاز است. امتیاز جهت-گیری ریسک‌پذیری در حد متوسط است. تنها ۶.۲ درصد در حد بسیار بالا، ۱۳.۸ درصد در حد بالا، ۴۰.۸ درصد در حد متوسط، ۳۲.۳ درصد در حد پایین و ۶.۹ درصد در حد بسیار پایین هستند. این جهت‌گیری از طریق گویه‌هایی در مورد سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و فعالیت‌های پرریسک بررسی شد. دو سوم جمعیت نمونه از فعالیت‌های اقتصادی توأم با ریسک می‌ترسند و از آن اجتناب می‌کنند.

در جهت‌گیری علم‌گرایی، ۲۵.۴ درصد در حد بسیار بالا، ۴۵.۴ درصد در حد بالا، ۲۶.۲ درصد در حد متوسط و تنها ۳.۱ درصد در حد پایین و بسیار پایین هستند. این جهت‌گیری به وسیله گویه‌هایی که مرتبط با میزان پایبندی زنان به برخی اعتقادات رایج (گره سیاه، به هم زدن قیچی، عطسه کردن، چشم زدن و...) بررسی شد. در مجموع میزان نوگرایی جمعیت نمونه پژوهش در حد بالایی است (جدول شماره ۳). نزدیک به سه چهارم جمعیت مورد بررسی (۷۲/۳ درصد) دارای نوگرایی بالا و بسیار بالا هستند.

جدول ۳- توزیع جمعیت نمونه بر حسب شاخص نوگرایی

درصد	فراوانی	نوگرایی
۱/۲	۳	نوگرایی کم
۲۶/۵	۶۹	نوگرایی متوسط
۶۷/۷	۱۷۹	نوگرایی زیاد
۴/۶	۱۲	نوگرایی خیلی زیاد
۱۰۰	۲۶۰	جمع

در جدول شماره ۴ آماره‌ها در این شاخص به دو لحاظ نظری و تجربی ارائه شده است. شاخص نوگرایی دارای ۳۴ گویه است. میانگین نظری تحقیق ۱۰۲ و میانگین تجربی ۱۲۲/۷۶ است که میزان بالایی را در شاخص مورد بررسی نشان می‌دهد. میانه و نما مشترکاً در نقطه ۱۲۴ قرار گرفته‌اند. نزدیکی این سه آماره نشان از توزیع نزدیک به نرمال جمعیت نمونه مورد بررسی دارد. آلفای کرونباخ مجموع شاخص به میزان ۰/۷۶ است که نشان‌دهنده میزان همبستگی درونی بالایی بین گویه‌هاست.

جدول ۴- آماره‌های شاخص نوگرایی

۱۲۲/۷۶	میانگین تجربی	۱۰۲	میانگین نظری	۳۴	تعداد گویه
۳۴	کمترین امتیاز نظری	۱۳/۱۹	انحراف معیار	۱۲۴	میانه
۱۵۷	بیشترین امتیاز تجربی	۱۷۰	بیشترین امتیاز نظری	۸۰	کمترین امتیاز تجربی

عوامل مؤثر بر میزان نوگرایی دبیران

در بررسی عوامل مؤثر بر نوگرایی بر اساس آنچه از نظریات نوسازی و نیز ادبیات پژوهش استخراج شد، منشأ شهری یا روستایی داشتن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان تحصیلات، طول مدت اشتغال (تدریس)، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی، انتخاب شده است که رابطه هر متغیر با متغیر نوگرایی به تفکیک بررسی می‌شود.

منشأ شهری یا روستایی داشتن فرد انتظار می‌رود افرادی که دارای منشأ شهری هستند به دلیل دسترسی به امکانات اجتماعی از میزان بالاتری از نوگرایی برخوردار باشند. آزمون t-test برای بررسی معناداری تفاوت میانگین نوگرایی افراد با منشأ شهری یا

روستایی به کار گرفته شد. بر اساس این آزمون شاخص نوگرایی بین افرادی که منشأ شهری یا روستایی دارند تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. میانگین نوگرایی در افراد با منشأ شهری ۱۲۳.۸ و در افراد با منشأ روستایی ۱۱۵ است.

پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد نیز از متغیرهای تعیین‌کننده در میزان دسترسی فرد به امکانات مادی و فرهنگی است. با دسترسی بیشتر به این امکانات که حاصل بالا رفتن طبقه اجتماعی فرد است، انتظار می‌رود میزان نوگرایی فرد در سطح بالاتری قرار گیرد.

پایگاه اجتماعی بر اساس میزان تحصیلات پاسخ‌گو و (پدر/همسر)، منزلت شغلی (پدر/همسر) و میزان برخورداری از امکانات رفاهی و مزایای اقتصادی به صورت متغیر فاصله‌ای محاسبه شده است و سپس در سه سطح پایین، متوسط و بالا محاسبه شد. نتیجه نشان می‌دهد ۲.۳ درصد در سطح پایین، ۴۳.۵ درصد در سطح متوسط و ۵۴.۲ درصد از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند. رابطه میزان نوگرایی و پایگاه اجتماعی با ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان نوگرایی فرد با سطح معناداری ($\text{sig} = .۰۳۷$) دارای رابطه معنی‌دار و مستقیم است. با بالا رفتن پایگاه اجتماعی اقتصادی فرد امکان وجود گرایش‌های نوگرایانه در او افزایش می‌یابد، اما شدت همبستگی بین دو متغیر در حد ضعیف و ۱۲٪ است.

سال‌های تحصیل (میزان تحصیلات) و رابطه آن با نوگرایی افراد از جمله مؤلفه‌هایی است که مورد نظر اکثر قریب به اتفاق نظریه‌پردازان نوسازی است. افزایش تحصیلات فرد را در ارتباط با جهان جدید، کشفیات، اختراعات، نوآوری‌ها، اخبار و اطلاعات و نگرش‌های جدید قرار می‌دهد. رابطه سطح تحصیلات و نوگرایی به وسیله ضریب همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفت و با $\text{sig}=0/00$ تأیید شد. میزان همبستگی ۰/۲۵

نشان‌دهنده رابطه در حد متوسط بین این دو متغیر است. بنابراین، احتمالاً با افزایش سال-های تحصیل، میزان نوگرایی در فرد بالا می‌رود.

طول مدت تدریس (اشتغال) بر اساس نظر برخی از اندیشمندان مکتب‌نوسازی از جمله اینکلس، به دلیل در ارتباط بودن فرد با محیط‌های اجتماعی و ارتباطات بیشتر با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد. با بالا رفتن سال‌های اشتغال فرد، ارتباط او با محیط خارج از خانه افزایش می‌یابد و بیشتر در معرض تغییرات اجتماعی قرار می‌گیرد. در این پژوهش داده‌های به‌دست‌آمده و آزمون پیرسون با $sig = .25$ رابطه معناداری بین دو متغیر مورد بحث نشان نمی‌دهد.

مشارکت رسانه‌ای را بسیاری از اندیشمندان، راهی برای ارتباط با جهان خارج و تأثیرگذار بر نوگرایی می‌دانند. بخش وسیعی از زمان افراد صرف استفاده از وسایل ارتباط جمعی می‌شود. بنابراین نقش و چگونگی کیفیت آن‌ها در گرایش‌های افراد و نیز تغییرات اجتماعی اهمیت می‌یابد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون $sig = 0/19$ بیانگر عدم وجود رابطه بین دو متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان نوگرایی فرد است.

با این استدلال که وسایل ارتباطی گوناگون به لحاظ کیفیت و نوع ارائه برنامه‌های ملی یا بین‌المللی بودنشان می‌توانند تأثیرات گوناگونی بر افراد گذارند، رابطه بین هر یک از این وسایل و میزان نوگرایی بررسی شده است. شایان ذکر است که در بررسی جداگانه هر یک از وسایل مشخص گردید که استفاده‌کنندگان از سینما و تئاتر از میزان نوگرایی بالاتری برخوردارند. استفاده از سینما با سطح معناداری $0/2$ و ضریب همبستگی $0/19$ و استفاده از تئاتر با سطح معناداری $0/3$ و ضریب همبستگی $0/13$ رابطه معناداری با میزان نوگرایی افراد نشان می‌دهند.

مشارکت اجتماعی محصول جامعه مدرن است و در عین حال فرد را بیشتر در معرض برخورد با نهادهای اجتماعی، گروه‌ها و افراد قرار می‌دهد. بنابراین، فرد از امکان بالاتری برای تغییر و نوشتن برخوردار می‌گردد، ولی آزمون ضریب همبستگی پیرسون $\text{sig}=0/81$ رابطه معناداری بین دو متغیر نشان نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری

دیرزمانی است که جامعه ایران در معرض مدرنیته و نوسازی قرار گرفته است و در این فرایند شاهد رویارویی سنت و تجدد به اشکال مختلف هستیم. این رویارویی در جامعه ایران گاهی به غلبه تجدد بر سنت در قالب حاکمیت موجود (پهلوی اول و دوم) و گاهی غلبه سنت بر تجدد (پیروزی انقلاب اسلامی) بوده است. در کنار این حاکمیت‌ها در بخش‌هایی از جامعه، سنت و تجدد در کنار هم، هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی را تجربه کرده‌اند. نظریات نوسازی مطرح‌شده، بیانگر این است که برخی شرایط به رشد نوسازی در جوامع، مانند میزان شهرنشینی، بوروکراتیزه شدن، میزان باسوادی، آموزش و سطح تحصیلات، ارتباطات از انواع مختلف (وسایل ارتباط جمعی، یا حمل و نقل...)، بهبود فرایند اجتماعی شدن در افراد، ... می‌انجامد. افراد نوگرا نیز دارای ویژگی‌های متناسب با شرایط زندگی در یک جامعه مدرن از قبیل علم‌گرایی، پذیرش تجربیات جدید، همدلی، تحرک اجتماعی در سطوح عمودی و افقی جامعه، مشارکت اجتماعی بالا، شخصیت نوآور، تخیل خلاق، احساس مسئولیت و وظیفه، عام‌گرایی، سوگیری اکتسابی و ... هستند. این پژوهش نشان داد، ۶۷/۷ درصد جمعیت نمونه دارای نوگرایی با میزان بالا هستند. از بین کلیه فرضیه‌های ارائه‌شده، طول مدت تحصیل و پایگاه اجتماعی با میزان نوگرایی رابطه معنادار دارد و از بین وسایل ارتباط جمعی نیز استفاده از سینما و تئاتر را با

نوگرایی مرتبط می‌داند. شایان ذکر است وسایل ارتباط جمعی از جمله شاخص‌هایی است که از نظر تأثیر بر میزان نوگرایی وجه اشتراک عموم اندیشمندان است. بنابراین، به دنبال عدم پاسخگویی این متغیر در جمعیت نمونه مورد بررسی بهتر است به ماهیت و محتوای برنامه و برنامه‌ریزی در این بخش توجه شود. دو شاخص تأییدشده میزان تحصیلات و پایگاه اجتماعی نیز از لحاظ پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قابل‌تأمل هستند.

پیشنهادها

نوگرایی از مباحثی است که اگرچه از سوی بسیاری مورد تأیید و تأکید است اما کمتر به فراهم آمدن شرایط مناسب بروز چنین تفکری اهمیت داده می‌شود. بررسی‌ها نشان داد فراهم آمدن شرایط و بستر مناسب نوگرایی مستلزم همکاری سطوح مختلف یک جامعه (کلان، میانه و خرد) در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... می‌باشد. پر واضح است که عوامل پیشبرنده تفکر مناسب توسعه، بستگی مستقیم به سیاست‌های کلان جامعه دارد. از بین عوامل موثر بسیار، تأکید ما بر آموزش در جامعه است. آموزشی فراگیر که امکان پوشش سطوح مختلف جامعه را داشته باشد. آموزش، سطوح مختلف رسمی و غیر رسمی را شامل می‌شود. کیفیت و کمیت آموزش رابطه مستقیم با نگرش نو دارد. بهتر است شرایطی فراهم گردد تا فارغ از امکاناتی که یک طبقه اجتماعی خاص ممکن است برای فرد فراهم آورد افراد جامعه از آموزش‌هایی برخوردار باشند که باعث ارتقای آگاهی و توانایی‌ها و ایجاد انگیزه پیشرفت و... آنان گردد.

برگزاری کارگاه‌های مختلف آموزشی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، تخصصی برای مناطق مختلف آموزش و پرورش (برخی برنامه‌ها برای همه مناطق و برخی برای مناطق خاص است) می‌تواند در افزایش کارایی برنامه‌ها موثر باشد.

شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... جامعه ما به‌ویژه در شهر تهران ایجاب می‌کند که علاوه بر اقداماتی مانند آگاه‌سازی، تواناسازی، توجه به رفاه و ... دبیران، نیاز به انگیزه پیشرفت آنان نیز تقویت شود. در حال حاضر، دبیرستان‌های دولتی ما یا مجهز یا در حال مجهز شدن به کامپیوتر و اینترنت هستند، کلاس‌های آموزشی خصوصی با کیفیتی متمایز در حال فعالیت هستند، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و ماهواره‌ای برنامه‌های آموزشی ارائه می‌کنند و صدها فعالیت دیگر که درصدد جذب جوانان هستند. در چنین شرایطی دبیران ما باید از توانایی‌های لازم جهت تأثیرگذاری بر جوانان و به‌ویژه دختران برخوردار باشند. برای رسیدن به چنین اهدافی نوسازی هم در بعد نهادی و هم در بعد شناختی باید مورد توجه هر چه بیشتر باشد. تغییرات تکنولوژی ما را در شرایط سخت رویاروی با انواع تکنولوژی‌ها و ابررسانه‌ها قرار داده است که تغییرات شدید فرهنگی را در پی دارد. جهت دادن این تغییرات به سمت نگرش توسعه‌ای متناسب با ارزش‌های جامعه تنها از طریق داشتن تفکر توسعه‌ای متناسب با شرایط جهانی امکان‌پذیر خواهد بود.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۷). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، چ ۳، تهران: نشر مرکز.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹). *تجربه مدرنیته*، مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- بروف رایان، روکس (۱۳۶۹). *نظریه‌های توسعه‌یافتگی*، علی هاشمی گیلانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- دیوب، اس. سی. (۱۳۷۷). *نوسازی و توسعه*، احمد موثقی، تهران: نشر قومس.

- روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی میزان تفکر مدرن (نوگرایی) دبیران خانم شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مرکز.
- ریشه، گی (۱۳۷۷). *تغییرات اجتماعی*، منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- سو، آلوین. ی. (۱۳۸۰). *تغییر اجتماعی و توسعه*، محمود حبیبی مظاهری، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیف‌زاده، سید حسن (۱۳۷۳). *نوسازی و دگرگونی سیاسی*، تهران: قومس.
- صدیقیان بیدگلی، آمنه (۱۳۸۳). بررسی میزان نوگرایی دبیران خانم هنرستان‌های شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- عنبری، موسی (۱۳۷۷). *ارتباط زمینه‌های خانوادگی دانشجویان با مشارکت اجتماعی آنان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷). *سراغاز نواندیشی معاصر دینی و غیردینی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کازنو، ژان (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، باقر ساروخانی/منوچهر محسنی، چ ۵، تهران: نشر اطلاعات.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۶). *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: قومس.
- مهدی‌زاده، شراره (۱۳۸۱). *تلویزیون و نوگرایی*، رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- واگو، استفان (۱۳۷۳). *درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییر اجتماعی*، احمدرضا غروی‌زاده، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.

- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱). خلاصه‌ای از آمار آموزشگاه‌ها، کلاس‌ها، دانش‌آموزان و کارکنان دوره‌های مختلف تحصیلی، سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰. معاونت برنامه‌ریزی و منابع انسانی، دفتر فناوری اطلاعات.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱). آمار معلمان مدارس در سطح کشور مقطع متوسطه عمومی، هنرستان‌های حرفه ای، هنرستان‌های فنی، گزارش ۸۱۱۸۰ (۱۳۸۱). معاونت برنامه‌ریزی و منابع انسانی.
- وینر، مایرون (۱۳۵۰). *نوسازی جامعه*، رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: فرانکلین.
- هتته، بزورن (۱۳۸۱). *تئوری توسعه و سه جهان*، احمد موثقی، تهران: نشر قومس.
- هریسون، دیوید (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه*، علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- Hagen, E. (1962). *On the Theory of Social Change*, Dorsey Press inc. Homewood.
- Inkeles, A. (1976). *Become Modern: Individual Change in Six Developing Countries*, Massachuset: Harvard University Press.
- Lerner, D. (1964). *The Passing of Traditional Society, Modernisation the Middle East*. New York: the Free Press.
- Lerner, D. & Nelson, L. (1970). *Communication Research, a Half Century Appraisal, East -West Cent.* Honolulu: the University press of hawaii.
- Sharma S. L. (1986). *Development Socio-Cultural Dimensions*. Rawat Publication.